

## «برای مبارزه با فاشیزم، با امپریالیزم مبارزه کنید»

گفتگوی تروتسکی با روزنامه ی «آل پاییس» کوبا

به اعتقاد من، مهم ترین و دشوارترین چیز در سیاست، تعریف قوانین عمومی تعیین کننده ی مبارزه ی مرگ و زندگی تمامی کشورهای جهان معاصر از یکسو، و کشف ترکیب خاص این قوانین برای هر یک کشور واحد از سوی دیگر است. بشریت مدرن بلااستثنا، از کارگران بریتانیا گرفته تا عشایر حبشه، زیر یوغ امپریالیزم زندگی می کند. این چیزی است که نباید لحظه ای فراموش کرد. اما این به هیچ رو بدان معنا نیست که امپریالیزم خود را در تمامی کشورها به یکسان نمود می دهد. خیر. برخی کشورها، حاملان امپریالیزم هستند و دیگران قربانیان آن. این مرز تمایز اصلی میان ملل و دولت های مدرن است. از این زاویه و تنها از این زاویه است که باید مسأله ی مبرم فاشیزم و دموکراسی را در نظر گرفت.

به عنوان مثال دموکراسی برای مکزیک، به معنای آزوی یک کشور نیمه مستعمره به فرار از قید وابستگی، اعطای زمین به دهقانان، ارتقای بومیان به سطحی بالاتر از فرهنگ، و غیره است. به بیان دیگر، مسائل دموکراتیک مکزیک، خصلتی مترقی و انقلابی دارند. و اما دموکراسی در بریتانیای کبیر چه معنایی دارد؟ حفظ هر آن چه که وجود دارد، یعنی، بیش از هر چیز، حفظ حاکمیت متروپل بر مستعمرات. همین امر در ارتباط با فرانسه نیز صدق می کند. پرچم دموکراسی در این جا، پوششی است برای هژمونی امپریالیستی اقلیت ممتاز بر اکثریت تحت ستم.

به همین شکل ما نمی توانیم از فاشیزم «به طور اعم» صحبت کنیم. در آلمان، ایتالیا و ژاپن، فاشیزم و میلیتاریزم سلاح یک امپریالیزم حریص، گرسنه و بنابراین متجاوز است. در کشورهای آمریکای لاتین، فاشیزم تجلی برده وارتترین وابستگی به امپریالیزم خارجی است. ما باید قادر باشیم که در پس یک فورم سیاسی، محتوای اقتصادی و اجتماعی را کشف کنیم.

در حال حاضر در برخی محافل روشنفکری ایده ی «اتحاد تمامی دولت های دموکراتیک» در برابر فاشیسم از محبوبیت برخوردار است. من این ایده را خیالی، وهم آلود و تنها قادر به فریب توده ها، بخصوص مردم ضعیف و تحت ستم، می بینم. به راستی، کسی می تواند حتی لحظه ای فکر کند که چمبرلین، دالادیه یا روزولت قادر به انجام جنگی به خاطر اصل انتزاعی «دموکراسی» هستند؟ اگر حکومت بریتانیا عاشق دموکراسی بود، آزادی را به هند داده بود. همین در مورد فرانسه مصداق دارد. بریتانیای کبیر، دیکتاتوری فرانکو در اسپانیا را به حاکمیت سیاسی کارگران و دهقانان ترجیح می دهد، چرا که فرانکو، کارگزار نرم شدنی و قابل اتکاتر امپریالیسم بریتانیا خواهد بود. انگلستان و فرانسه، اتریش را بدون مقاومت به هیتلر واگذار کردند؛ هر چند اگر هیتلر جرأت می کرد به مستعمرات آن ها دست بزند، جنگ اجتناب ناپذیر می شد.

نتیجه این است که مبارزه با فاشیسم، بدون مبارزه با امپریالیسم ناممکن است. کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره باید پیش از هر چیز علیه آن کشور امپریالیستی که مستقیماً آنان را تحت ستم قرار می دهد مبارزه کنند، فارغ از این که آیا این کشور نقاب فاشیسم را به چهره دارد یا نقاب دموکراسی را.

در کشورهای آمریکای لاتین، بهترین و مطمئن ترین روش مبارزه با فاشیسم، انقلاب ارضی است. چرا که مکزیکی گام های مهمی در این مسیر برداشته و قیام ژنرال سدیلو بین زمین و هوا به تعلیق درآمده بود. برعکس، شکست های بیرحمانه ی جمهوریخواهان در اسپانیا به دلیل این امر است که حکومت آزانا در اتحاد با استالین، انقلاب ارضی و جنبش مستقل کارگران را منکوب کرد. یک سیاست اجتماعی محافظه کارانه و حتی ارتجاعی در کشورهای ضعیف و نیمه مستعمره، به معنای واقعی کلمه خیانت به استقلال ملی است.

## استالین- ژاندارم منطقه

شما از من خواهید پرسید چگونه می توان توضیح داد حکومت شوروی که از دل انقلاب اکتبر بیرون آمد، جنبش انقلابی در اسپانیا را منکوب می کند؟ پاسخ ساده است: یک کاست بوروکراتیک ممتاز نوین، بسیار محافظه کار، حریص و مستبد، موفق شده بر فراز شوراها قرار بگیرد. این بوروکراسی به توده ها اعتماد ندارد، بلکه از آنان می هراسد. این بوروکراسی به دنبال روابط حسنه با طبقات حاکم، بخصوص امپریالیست های "دموکراتیک" است. استالین برای اثبات قابل اطمینان بودن خود، آماده است نقش ژاندارم در سراسر جهان را ایفا کند. بوروکراسی استالینیستی و کارگزار آن، کمینترن، اکنون بیاتگر بزرگ ترین خطر در برابر استقلال و پیشرفت مردمان ضعیف و مستعمرات است.

شناخت من از کوبا بسیار کم تر از آن است که به خود اجازه بدهم قضاوت مستقلی درباره ی میهن شما داشته باشم. شما بهتر از من می توانید قضاوت کنید که کدام یک از نظرات مندرج در بالا، در مورد وضعیت کوبا کاربرد دارد. تا جایی که به من باز می گردد، امیدوارم که بتوانم سفری به «مروارید آنتیل» (هائیتی) داشته باشم و از نزدیک آشنایی بیش تری با مردم شما داشته باشم که از طریق همین روزنامه گرم ترین و صادقانه ترین درودهایم را به آن ها می فرستم.

کویوآکان

۲۱ سپتامبر ۱۹۳۸

ترجمه: آرام نوبخت

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: [yasharazarri@gmail.com](mailto:yasharazarri@gmail.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۹۵